

توزیع مسئولیت مدنی به میزان درجه تأثیر در تصادفات رانندگی با تکیه بر مواد ۵۲۶ و ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی

علیرضا امیدیان*، سیدحسن وحدتی شبیری**، محمدعلی سعیدی***

چکیده

با توجه به اینکه نگاه سنتی به مسئولیت جبران خسارت در حوادث رانندگی، پاسخ‌گوی نیاز فعلی جامعه نبوده است، قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ با تصویب قانون مجازات اسلامی و قرار دادن قاعده استناد به عنوان مبنای قانون‌گذاری، مقرراتی را در راستای اجرای عدالت و منطبق با نظام‌های حقوقی دنیا به تصویب رساند. یکی از مقررات مصوب در این قانون، ماده ۵۲۶ است که در آن با عبور از نظریه مشهور فقها و ماده ۳۳۲ قانون مدنی، در موارد اجتماع سبب و مباشر، حکم به توزیع مسئولیت به میزان درجه تأثیر شده است. از طرفی در ماده ۵۲۸ همین قانون در بحث تصادفات به صورت مطلق و با نادیده گرفتن درجه تأثیر، حکم به تقسیم مسئولیت به تساوی شده است. به نظر می‌رسد بین این دو ماده از نسب اربعه، رابطه عموم و خصوص من وجه وجود دارد و نقطه اجتماع که فرض اجتماع سبب و مباشر در تصادفات است، مشمول هر دو ماده می‌گردد. سؤالی که در این خصوص به ذهن می‌رسد این است در مورد تعارض بین این دو ماده، کدام یک حاکم است؟ ما در این پژوهش به روش تحلیلی و توصیفی با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای به این نتیجه می‌رسیم که در صورت اجتماع سبب و مباشر در تصادفات، ماده ۵۲۶ مقدم است و باید حکم به توزیع مسئولیت بین عوامل به میزان درجه تأثیر نمود، ولی در سایر صور با توجه به سابقه فقهی موضوع، نمی‌توان از اطلاق ماده ۵۲۸ چشم‌پوشی کرد.

واژگان کلیدی: اجتماع سبب و مباشر، تصادفات رانندگی، توزیع مسئولیت، درجه تأثیر

* قاضی دادگستری، دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران (نویسنده
مسئول)
alirezaomidian1993@gmail.com

** دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران
vahdati11@gmail.com

*** استادیار گروه حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران
saecedi_mha@yahoo.com

مقدمه

اهمیت وسایل نقلیه موتوری در زندگی حاضر بشر به نحوی است که فقدان آن زندگی انسان را با اختلال روبه‌رو می‌کند، اما متأسفانه با همه مزایایی که وسائل نقلیه در جهت تسهیل امورات زندگی دارد، باعث ایجاد حوادث مالی و جانی بسیاری شده است و تبدیل به یکی از عوامل مرگ‌ومیر در جهان، به‌ویژه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته مثل کشور ما شده است. در ابتدا نظام حاکم بر مسئولیت ناشی از حوادث رانندگی، نظام مبتنی بر تقصیر بود، ولی رشد زیاد تولید این وسائل نقلیه و استفاده زیاد از آن‌ها، باعث ایجاد حوادث پیچیده‌ای شد که دیگر قواعد سنتی پاسخ‌گوی آن‌ها نبود. در کشور ما قوانین مربوط به حوادث رانندگی و نقش و میزان مسئولیت عوامل در قوانین مجازات مصوب بعد از انقلاب گنجانده شده است که این قوانین عمدتاً با رویکرد فقهی و به تبعیت از نظام اتلاف و تسبیب مصوب شده و پاسخ‌گوی نیاز جامعه و پیچیدگی حوادث و صدمات ناشی از تصادفات نبوده است (آقائی و مهرا، ۱۳۹۹: ۱۶).

در عوامل ایجاد خسارت و توجه مسئولیت، فروض مختلفی قابل تصور است. یکی از این فروض، اجتماع سبب و مباشر است که در آن یک عامل به صورت مباشری و مستقیم و دیگری به صورت غیرمستقیم در ایجاد حادثه زیان‌بار ایفای نقش می‌کنند. در این خصوص قانون مجازات اسلامی سابق در ماده ۳۶۳ با تاسی از نظر مشهور فقهای امامیه و ماده ۳۳۲ قانون مدنی، مباشر را به صورت کامل مسئول جبران خسارت می‌دانست مگر اینکه سبب در صورتی اقوی از مباشر باشد، اما در سال ۱۳۹۲، قانون‌گذار با تصویب ماده ۵۲۶، به جای لفظ «درجه تقصیر»، تعبیر به «درجه تأثیر» نمود و با تغییر رویکرد از قانون سابق و در راستای اجرای عدالت، هم مباشر و هم سبب را به میزان درجه تأثیر، مسئول جبران خسارت دانست. از طرفی قانون‌گذار در موضوع تصادفات نیز با تصویب ماده ۵۲۸، بدون توجه به درجه تأثیر و تقصیر و به صورت مطلق، هر یک از عوامل ایجاد خسارت در حوادث رانندگی را به‌نحو مساوی مسئول جبران خسارت دانست. اگرچه در موضوع تصادفات عمدتاً ایجاد خسارت توسط عوامل به صورت عرضی و فرض اجتماع اسباب یا اجتماع مباشرین است، ولی فرض اجتماع سبب و مباشر در تصادفات نیز قابل تصور است. در فرض اخیر، اطلاق هر یک از مواد ۵۲۶ و ۵۲۸ نافی یکدیگر و شامل مورد اجتماع مذکور می‌گردد و در ماده ۵۲۶ توجه مسئولیت به عوامل به میزان درجه تأثیر، ولی در ماده ۵۲۸ حکم به تقسیم مسئولیت به‌نحو تساوی و با صرف نظر از درجه تأثیر شده است.

در حیطه موضوع تصادفات پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته، ولی در خصوص بررسی اجتماع سبب و مباشر در تصادفات و مقایسه بین مواد مذکور به‌رغم وجود ابهام، سابقه پژوهشی به چشم

نمی خورد. ابهامات و سؤالاتی که به ذهن خطور می کند اینست که؛ رابطه منطقی بین دو ماده چیست؟ در فروض مختلف تصادفات از جمله تعدد اسباب، ملاک در مسئولیت عوامل ایجاد خسارت چیست؟ در صورت اجتماع سبب و مباشر در تصادفات، حکم به توزیع مسئولیت به میزان درجه تأثیر لحاظ می گردد یا باید حکم به تساوی مسئولیت عوامل با چشم پوشی از درجه تأثیر نمود؟ در صورت پذیرش حاکمیت ماده ۵۲۶ در مود اجتماع، آیا می توان در سایر فروض تصادفات از جمله اجتماع اسباب یا اجتماع مباشرین نیز حکم به توزیع مسئولیت به نحو تساوی نمود؟ در پژوهش حاضر با استفاده از قوانین و مقررات مصوب و استناد به منابع فقهی و نظریات دکترین حقوقی و در راستای پاسخ به سؤالات مذکور، با توجه به وحدت ادله ارائه شده در صور مختلف تصادفات، ابتدا به بیان و بررسی رابطه بین مواد مذکور، سپس به مسئولیت عوامل ایجاد خسارت در فروض منطبق با ماده ۵۲۸ (غیر از صورت اجتماع سبب و مباشر) و نهایتاً به اجتماع سبب و مباشر در تصادفات پرداخته می شود.

۱. بررسی رابطه منطقی بین مواد ۵۲۶ و ۵۲۸

۱-۱. تبیین

در مقام بیان رابطه منطقی بین مواد ۵۲۶ و ۵۲۸ این گونه به نظر می رسد که ماده ۵۲۶ اصلاً ناظر به تصادفات نیست و ارتباطی به موضوع تصادفات ندارد، زیرا موضوع ماده مذکور، فرض اجتماع سبب و مباشر در بروز خسارت است، اما ماده ۵۲۸ مربوط به مسئولیت عامل زیان در تصادفات است. حکمت وضع ماده ۵۲۶ در مقابل ماده ۳۳۲ قانون مدنی است که ماده ۳۳۲ در مقام اجتماع سبب و مباشر، صرفاً مباشر را مسئول جبران خسارت دانسته است. قانون گذار در سال ۱۳۹۲ با وضع ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی با عدول از ماده ۳۶۳ قانون ۱۳۷۰ و ماده ۳۳۲ قانون مدنی، علاوه بر مباشر، سبب را نیز مسئول جبران خسارت دانسته است. به نظر می رسد ماده ۵۲۶ نسخ ماده ۳۳۲ قانون مدنی و حکمت وضع آن در همین راستا بوده و این ماده حاکی از آن است که نمی توان صرفاً مباشر را مسئول جبران خسارت دانست و هرکس مطابق سهمش از دخالت در ایجاد خسارت، باید مسئولیت نیز متوجه او گردد. در هر صورت ماده ۵۲۶ ارتباطی با ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی که بحث تصادفات است، ندارد؛ لذا رابطه بین این دو ماده تبیین است.

۱-۲. عموم و خصوص مطلق

دیگر احتمالی که در مورد رابطه بین مواد مذکور به ذهن تبادر می کند این است که ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی عام و ماده ۵۲۸ خاص است، لذا رابطه بین این دو مواد عام و خاص مطلق است. بدین توضیح که موضوع ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی به صورت عام، فرض تعدد سبب و مباشر در ایجاد خسارت است، در حالی که موضوع ماده ۵۲۸ خاص تصادفات است، لذا ماده

۵۲۸ مخصص ماده ۵۲۶ است و در همه جا غیر از تصادفات به ماده ۵۲۶ باید مراجعه کرد، ولی تصادفات پرونده جدایی دارد و درجه تأثیر در آن نباید لحاظ گردد و ۵۲۶ عام و ۵۲۸ مختص تصادفات است؛ بنابراین خصوص تصادفات مشمول حکم خاص موجود در ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی است، نه اینکه در آن طبق حکم عام موجود در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی عمل گردد. در صورت مراجعه به متن مواد نیز این گونه متبادر می شود که رابطه بین این دو عموم و خصوص مطلق است و ماده ۵۲۶ اگرچه تصریح به سبب و مباشر دارد، اما حکم را مختص به این مورد نمی داند، بلکه بیان ماده به نحوی است که حتی در صورت جمع اسباب نیز حکم همین است، در صورت جمع مباشرین نیز حکم همین است و هكذا. بنابراین ماده ۵۲۸ در مورد تصادفات است و یک مورد از مصادیق عام ماده ۵۲۶ را خارج می کند، لذا ماده ۵۲۶ عام بوده و صرفاً شامل فرض اجتماع سبب و مباشر نیست و فقط مصداق تصادفات در ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی خارج شده است.

۳-۱. عموم و خصوص من وجه

در تشخیص رابطه منطقی بین مواد، توجه به این نکته نیز لازم است که اگرچه ماده ۵۲۶ از این جهت که هم شامل تصادفات و هم غیر آن است، عام بوده، اما این ماده از جهتی نیز خاص می باشد و همین که در ماده ذکر شده است که «چند عامل برخی به مباشرت و برخی به تسبیب عامل ورود خسارت شوند»، این عبارت باعث خاص شدن ماده می گردد. از طرفی ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی نیز به همین صورت است و از این جهت که موضوع تصادفات را بیان می کند خاص است، اما از این جهت که قید سبب و مباشر را ندارد عام است و هم شامل اجتماع سبب و مباشر و هم تعدد اسباب طولی یا عرضی و اجتماع مباشرین می شود. لذا این ماده هم مانند ماده ۵۲۶ از یک جهت عام و از یک جهت خاص است و همین امر باعث می شود رابطه بین مواد مذکور از عموم و خصوص مطلق خارج و تحت عموم خصوص من وجه قرار گیرد. دلیل بر این امر این است که در مقایسه اطلاق منطوق این دو ماده، یک ماده اجتماع و دو ماده افتراق تشکیل می گردد. نقطه افتراق از ناحیه ماده ۵۲۶، اجتماع سبب و مباشر در غیر تصادفات و نقطه افتراق از ناحیه ماده ۵۲۸، اجتماع مباشرین یا تعدد اسباب طولی یا عرضی (غیر اجتماع سبب و مباشر) در تصادفات است؛ در نتیجه ماده اجتماع این دو ماده نیز اجتماع سبب و مباشر در تصادفات است؛ بنابراین رابطه بین این دو ماده عموم و خصوص من وجه است.

۳-۲. بررسی مسئولیت ناشی از تصادفات رانندگی

بعد از بیان رابطه منطقی بین مواد مذکور که عموم و خصوص من وجه است، از آنجا که پژوهش حاضر در صدد بررسی مسئولیت ناشی از تصادفات است، ابتدا نقطه افتراق ماده ۵۲۸ که مربوط به

تعدد عوامل ایجاد خسارت در عرض یکدیگر (اجتماع مباشرین یا اجتماع اسباب) و سپس نقطه اشتراک مواد مذکور که اجتماع سبب و مباشر است، بیان و بررسی می‌گردد.

۲-۱. مسئولیت اسباب متعدد در عرض یکدیگر

۲-۱-۱. تقسیم مسئولیت به صورت تساوی

اولین دلیلی که می‌توان برای نظریه تساوی مطرح نمود، نظریه مشهور فقهای امامیه است که در مورد مسئولیت ناشی از تصادفات، حتی در صورتی که درجه تأثیر عوامل ایجاد خسارت متفاوت باشد، حکم به تقسیم مسئولیت به نحو تساوی و تنصیف نموده‌اند^۱ (محقق ثانی، ۱۴۱۴: ۸/۲۸؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۳۶۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۴۱۶؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹: ۱۳۳). برخی از فقها نیز بر این امر ادعای اجماع نموده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۱۱؛ موسوی خمینی، بی تا: ۵۶۳). در این خصوص صرفاً دو تن از فقهای معاصر برخلاف مشهور فتوا داده و معتقدند که در صورت اجتماع مباشرین ایجاد خسارت، در صورت تفاوت در درجه تأثیر، هر یک از عوامل به میزان تأثیر با مسئولیت مواجه می‌شوند و به عنوان مثال اگر شخص الف ۷۰ درصد و شخص ب ۳۰ درصد در بروز تصادف مؤثر باشند، هر کدام نسبت به درجه تأثیر (۷۰ / ۳۰) مسئول جبران خسارت هستند. دلیل آن‌ها بر این امر قاعده استناد است که این قاعده دلالت بر این دارد که هر شخص صرفاً به میزانی که خسارت مستند به اوست، مسئولیت بر جبران آن را دارد (صانعی، ۱۳۸۵: ۲/۴۳۷؛ مکارم، بی تا/۳: ۳۸۱). با وجود استدلال دو فقیه معاصر برخلاف مشهور، گویا مشهور فقها برای قاعده استناد مفهومی بسیط (نه مشتت) قائلند؛ به عبارت دیگر مطلبی که از فرمایش فقها برداشت می‌شود این است که قاعده استناد صرفاً اصل استناد را بیان می‌کند و نه میزان آن را و همین که ایجاد خسارت به شخصی مستند شد، برای مسؤل دانستن وی کافی خواهد بود و درجه تأثیر در صورت اجتماع مباشرین لحاظ نمی‌گردد. همین نظریه مشهور فقها صراحتاً در ماده ۳۳۶ قانون مجازات سابق ۱۳۷۰ هم بیان شده بود.

از طرفی تعیین اصل در مسئله از این جهت که با معین نمودن آن، در موارد اختلافی به اصل مراجعه و تکلیف موارد مشکوک مشخص می‌گردد، از اهمیت ویژه برخوردار است. در مقام بحث، نظریه‌ای که در قوانین ایران پذیرفته شده و می‌توان آن را یک قاعده عام مستخرج از قوانین به شمار آورد، نظریه تقسیم مسئولیت به صورت تساوی است. مواد مختلفی از قوانین از جمله ماده ۳۳۵ قانون مدنی و مواد ۵۲۸، ۵۳۳، ۱۲۵، ۴۵۳ قانون مجازات اسلامی اصل تساوی را به طور عام در مواردی

۱. مرحوم صاحب جواهر صراحتاً بیان داشته: «...ولم ينظر الى مقادير المؤثر و تفاوت الاثر» (نجفی، ۱۳۷۴: ۴۳/۶۴).

که دو یا چند نفر به‌نحو شرکت سبب وقوع خسارت شوند، بیان نموده است. طبق نظریه تساوی، مسئولیت باید به‌صورت مساوی بین عوامل ایجاد خسارت تقسیم گردد؛ زیرا فرض این است که چند نفر در ایجاد یک حادثه و خسارت نقش داشته‌اند و ضرر ناشی از عمل مشترک آنان است و نباید مسئولیت مشترک را تجزیه نمود، حتی اگر درجه تأثیر و دخالت هر کدام متفاوت باشد و صرف اینکه ایجاد خسارت به عمل همه آنها قابل استناد باشد، برای مسئول دانستن آنها به‌نحو تساوی کفایت می‌کند و در این بین میزان تقصیر و یا درجه تأثیر آنها اهمیتی ندارد (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۳۸۷). در ماده ۳۳۵ قانون مدنی، ماده ۵۲۸، ۵۳۳ و ۴۵۳ قانون مجازات اسلامی، نیز در صورت اجتماع عوامل ایجاد خسارت در عرض یکدیگر، حکم به مسئولیت به‌نحو تساوی شده است. بنابراین در جای جای قانون مجازات اسلامی به تأسی از مشهور فقها در موارد اجتماع مباشرین یا اجتماع اسباب در بروز خسارت و یا جنایت، نظریه تقسیم مسئولیت به‌نحو تساوی پذیرفته شده است و در این خصوص به درجه تأثیر عوامل ایجاد خسارت توجهی نشده و حکم مذکور در ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی خلاف اصل نیست و در امتداد سایر مواد و پیروی از آنهاست و حکم عامی را مطرح می‌کند و می‌توان از این ماده اصل و قاعده اولیه‌ای را استنباط نمود که در موارد مشکوک و مردد، ضمن اکتفا به قدر متیقن خارج از اصل، به اصل مذکور در این ماده مراجعه نمود.

۲-۱-۲. توزیع مسئولیت به میزان درجه تأثیر

توزیع مسئولیت به میزان درجه تأثیر، اولین بار در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ در بیان قانون‌گذار دیده شد و قبل آن در قوانین سابق تعبیر به تقصیر شده و در موارد تسبیب در خسارت به‌عنوان یکی از شروط مسئولیت سبب بیان شده بود، اما قانون‌گذار در مواد ۵۲۶ و ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی درجه تأثیر را معیار مسئولیت دانست و عرصه بیان نظرات مختلفی در این باب شد. حکم به توزیع مسئولیت بین عوامل ایجاد حادثه به میزان درجه تأثیر بر این تصور بنا شده است که نقش افراد در ایراد خسارت می‌تواند متفاوت باشد و بعضی عوامل به علت ارتکاب خطای سنگین و فاحش‌تر، می‌توانند در حادثه و خسارت نقش برجسته‌تری داشته باشند. بر این اساس چنین قضاوت شده که حقوق باید این تفاوت اثر و نقش را در نظر گرفته و مسئولیت را با توجه به میزان نقش آفرینی مسببین در ایراد خسارت و میزان تأثیر ارتکابی، بین آنها تقسیم کند (بابائی، ۱۳۹۸: ۷۰). بسیاری از حقوق‌دانان در مورد مسئله اجتماع مباشرین یا اجتماع اسباب در ایجاد خسارت، نظریه توزیع مسئولیت به میزان درجه تأثیر را پذیرفته و آن را مطابق انصاف و عدالت دانسته (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۴۰۱؛ قاسم‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۰۶) و حتی برخی از حقوق‌دانان این نظریه را به بعضی از فقهای امامیه نسبت داده‌اند (حکمت‌نیا، ۱۳۸۶: ۲۳۵)، در حالی که همان‌طور که گفته شد مشهور فقهای امامیه

در این مسئله قائل به تقسیم مسئولیت به نحو تساوی هستند و صرفاً دو تن از فقهای معاصر با نظریه مشهور مخالفت و قائل به توزیع مسئولیت به نسبت میزان تأثیر می‌باشند.

این نظریه را می‌توان به برخی از مواد قانونی نیز از جمله ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی، نسبت داد. در این ماده تعبیر به «نحوه مداخله» شده است که مراد از آن را برخی از حقوق‌دانان، میزان تأثیر هر یک از اسباب بیان نموده‌اند (بهرامی احمدی، ۱۳۹۱: ۲۸۳). این میزان درجه تأثیر در ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی نیز صراحتاً آمده و برخی از حقوق‌دانان معتقدند که در موضوع ماده و اجتماع سبب و مباشر، خصوصیتی نیست و می‌توان حکم آن را به سایر موارد نیز تسری داد. برخی از حقوق‌دانان معتقدند استدلال به اینکه تعیین ضمان هر یک از عوامل بر اساس میزان درجه تأثیرشان در وقوع جنایت منحصر به مصداقی است که جنایت به صورت اجتماع مباشرت و تسبیب صورت گرفته باشد و تسری آن به مصداق صرف مباشرت یا تسبیب به دلیل استثنا بودن یا فقدان نص امکان‌پذیر نیست، خلاف نظر قانون‌گذار است (آقایی نیا، ۱۳۹۷: ۱۶۰). همین مطلب را نیز از مفهوم مخالف ماده ۵۲۷ برداشت نموده‌اند. در محل بحث شاید این‌گونه به ذهن خطور کند که ممکن است حکم فقها به تساوی در مسئولیت حتی در فرض تفاوت در تأثیر عوامل ایجاد خسارت، از این جهت باشد که در زمان آن‌ها امکان سنجش درجه تأثیر و حتی تصور آن نبوده است که فرضی را با تفاوت تأثیر مدنظر داشته باشند و طبق آن حکم کنند و اگر این امر به آن‌ها متذکر می‌شد چه بسا حکم به تساوی نمی‌نمودند؛ اما این احتمال صحیح نیست؛ زیرا اولاً فقهای معاصر همچون مرحوم امام خمینی (ره) نیز با فرض و تصور تفاوت در درجه تأثیر، باز هم حکم به تساوی نموده‌اند و حتی اگر تفاوت درجه تأثیر در زمان فقهای قدیم متصور نبوده، قطعاً چنین تصویری در زمان فقهای معاصر وجود داشته است و با وجود آن حکم به تساوی در مسئولیت شده است. ثانیاً فرض تفاوت درجه تأثیر صراحتاً در برخی کتب فقهی فقهای سلف از جمله جواهرالکلام بیان شده که در آن با تصور چنین فرضی، باز هم حکم به جبران خسارت به صورت تصنیف شده است. علاوه بر مواد مذکور به دلایل مبنایی دیگری نیز بر نظریه توزیع مسئولیت به میزان درجه تأثیر، تمسک شده است که بیان می‌گردد.

۲-۱-۲-۱. مقتضای قاعده استناد

اتلاف و تسبیب دو منبع مهم مسئولیت در فقه امامیه و حقوق ایران به شمار می‌آیند که در این دو علاوه بر ضرر و وجود فعل زیان‌بار، وجود رابطه سببیت میان ضرر و فعل زیان‌بار نیز شرط ایجاد مسئولیت است و صرفاً در بحث غصب که مبتنی بر ضمان ید است، نیاز به احراز رابطه سببیت نیست. رابطه سببیت بدین معناست که هیچ‌کس مسئول خسارتی که ناشی از تقصیر او نیست، نمی‌باشد (صفائی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۳۰۴).

قانون‌گذار ایران در مواد مختلفی از جمله ماده ۳۲۸ قانون مدنی، ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، مواد ۴۹۲ و ۵۲۹ قانون مجازات اسلامی به ضرورت احراز رابطه سببیت، تصریح نموده است (برهانی و بادکوبه هزواره، ۱۴۰۰: ۸۸).

در سبب برخلاف اتلاف، وجود تقصیر شرط است، این تفاوت در قانون مدنی نیز بیان شده است. در هر صورت چه ایجاد خسارت به‌نحو مباشری و مستقیم و اتلاف باشد و چه به‌صورت غیرمستقیم و تسبیب، در هر دو لازم است سببیت میان فعل شخص و ضرر به بار آمده، احراز گردد. در مورد ملاک و شیوه احراز رابطه سببیت در فقه و حقوق مباحثی دیده می‌شود که هیچ معیار جامع و مانعی بیان نشده است و لذا می‌توان گفت شیوه احراز رابطه سببیت با عرف است و عرف تشخیص می‌دهد بین فعل زیان‌بار شخص و ضرر به‌وجود آمده، رابطه سببیت وجود دارد یا خیر (صادقی و میرزائی، ۱۳۹۸/۲۱: ۱۸).

بعد از بیان مطالب مذکور و در مقام بحث باید گفت نظریه تقسیم مسئولیت به‌صورت تصنیف حتی در صورت اختلاف تأثیر عوامل ایجاد خسارت، با معیار صدق عرفی خسارت و قاعده استناد سازگاری ندارد و اگر یک عامل بتواند ثابت نماید که تأثیر فعل او در خسارت ایجاد شده کمتر از فعل شخص دیگر است، در واقع مطابق قاعده استناد، ضرر کمتری مستند به عمل اوست و باید مسئولیت کمتری را نیز بر عهده وی گذاشت و در این صورت نادیده گرفتن درجه تأثیر و حکم به تصنیف، طرد و کنار گذاشتن قاعده استناد و رابطه سببیتی می‌شود که متفق‌القول میان همه فقها و حقوق‌دانان است. از طرفی طبق اصول فقهی، حقوقی و مطابق آیه شریفه مذکور هر شخص باید مسئول فعل خود و جبران خسارت ناشی از آن باشد نه بیشتر؛ معیار تساوی در جایی به کار می‌آید که نتوان تفاوت تأثیر را به اثبات رساند و اینکه در همه صور، عوامل متعدد به یک میزان، خسارت را عهده‌دار شوند، صحیح نیست. به‌عنوان مثال اگر در اتوبان خودروی «الف» با نادیده گرفتن مقررات به سمت چپ جاده منحرف شود و با خودروی «ب» که سرعت غیرمجاز داشته، برخورد نماید، بدیهی است که تأثیر تقصیر راننده خودروی «الف» در بروز تصادف و ایجاد خسارت بسیار بیشتر از راننده خودروی «ب» است و عرف مطابق قاعده استناد، ایجاد خسارت را بیشتر متوجه راننده خودروی «الف» می‌داند. با وجود این در مثال مذکور، حکم به تساوی مسئولیت هر دو راننده در جبران خسارت و نادیده گرفتن درجه تأثیر، به معنای طرد نمودن قاعده استناد و تخطی از عرف است، لذا تقسیم مسئولیت میان عوامل ایجاد خسارت به میزان درجه تأثیر مقتضای صدق عرفی اتلاف و رابطه سببیت عرفی است و با تقسیم مسئولیت به‌نحو تساوی، قاعده استناد که مبنای قانون‌گذاری در سال ۱۳۹۲ بوده است، زیر پا گذاشته می‌شود.

۲-۱-۲-۲. مقتضای عدالت

نظریه توزیع مسئولیت به میزان درجه تأثیر، طرفداران زیادی در بین حقوق‌دانان دارد و عمده دلیل ایشان مقتضای عدالت است. عدالت این‌گونه ایجاب می‌کند که هر شخصی صرفاً مسئول جبران خسارت‌های وارده از جانب خود باشد نه بیشتر و اگر کارشناس خبره تصادفات در حادثه‌ای میزان تأثیر یک راننده را ۷۰ و دیگری را ۳۰ درصد تعیین کند، با وجود این حکم به تساوی مسئولیت شود، خلاف عدالت است. قائلین به این نظریه گاه پا را فراتر گذاشته و معتقدند حتی اگر ظاهر قوانین نیز تقسیم مسئولیت به‌نحو تساوی را ایجاب کند، باید از این ظهور در جهت اجرای عدالت دست کشید و مواد قانونی را به‌گونه‌ای تفسیر نمود که تأمین‌کننده عدالت باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۲۱).

در پاسخ به ادعای نخست مذکور باید گفت: اولاً با بررسی جایگاه عدالت در استنباط احکام و وضع قوانین، مشخص می‌شود مبنای قانون‌گذاری صرف نیل به عدالت نیست و بسیاری از مصالح و مفاسد ایجاب می‌کند قانون‌گذار پا را فراتر از عدالت گذارد و وضع قوانینی نماید که خلاف عدالت است، ولی حکمت و مصالح و مفاسد نوعی، آن را اقتضا می‌نماید؛ چنان‌که در برخی موارد قانون‌گذار در باب مسئولیت مدنی فرض مسئولیت و یا مسئولیت عینی بر اشخاص بار نموده است. ثانیاً در صورت توزیع مسئولیت به‌نحو درجه تأثیر نیز عدالت به‌صورت کامل محقق نمی‌شود، زیرا نظریات کارشناسان و متخصصین امر عمدتاً با یکدیگر متفاوت است و خود ایشان نیز معیار دقیقی برای بیان میزان درجه تأثیر ندارند، تا بتوان با آن عدالت مد نظر را محقق گرداند، بنابراین نمی‌توان گفت تقسیم مسئولیت به‌نحو تساوی به‌تبعیت از فقه امامیه، لزوماً به بی‌عدالتی و زیر پا گذاشتن آن منتهی می‌شود.

در بررسی ادعای دوم و اینکه اگر بالفرض عمل به قانون و تقسیم مسئولیت به‌نحو تساوی موجب بی‌عدالتی شود، می‌توان به‌دلیل اجرای عدالت از ظهور ماده دست کشید و مطابق عدالت حکم نمود، به نظر می‌رسد این نظریه خود موجب بی‌عدالتی خواهد شد؛ زیرا یک مقام، جایگاه تصویب قانون و یک مقام، جایگاه تفسیر قانون است و این دو نباید با یکدیگر خلط گردد. در مقام قانون‌گذاری باید تمام همت و تلاش قانون‌گذار بر این باشد که آنچه مقتضای عدالت و بنای عقلا است، مورد لحاظ قرار گیرد و وفق آن وضع قانون صورت گیرد؛ ولی زمانی که قانونی تصویب و قانون‌گذار اراده خود را بیان کرد، نمی‌توان در مقام تفسیر قانون، از ظاهر ماده قانونی به‌دلیل عدم اقتضای عدالت، رفع ید کرد و تشخیص و اجرای عدالت را به دست دادرس سپرد. این امر در عمل موجب تشتت آرا و صدور احکام متناقض و نهایتاً بی‌عدالتی می‌گردد (شهیدی، ۱۴۰۰: ۱۱). از طرفی عمل به قانون اگرچه در موارد معدودی ممکن است منتهی به بی‌عدالتی گردد، منتهی فی‌نفسه برقرارکننده عدالت است، زیرا همه به مشی قانونی واحد عمل نموده و افراد جامعه که قصد دارند به‌عنوان مثال معامله‌ای

انجام دهند، قبل از آن می‌دانند که حکم قانون چیست و طبق آن مراودات حقوقی خود را تنظیم می‌نمایند. اما اگر اجرای عدالت به دادرس سپرده شود، از آنجا که عدالت امری نسبی است، هر دادرس ممکن است بر اساس پیش‌فرض‌های شخصی، حکمی را صادر نماید که موجب طرد عملی قانون و منجر به بی‌عدالتی گردد؛ لذا عمل به قانون به عدالت نزدیک‌تر است. البته اگر قانونی تأمین‌کننده عدالت نیست، باید توسط قانون‌گذار اصلاح گردد، ولی نمی‌توان به بهانه عدم تأمین عدالت، از ظاهر و نص قانونی صرف‌نظر کرد، به خصوص وقتی پشتوانه فقهی و ظهور قوی نیز دارد، لذا رفع ید از ظهور مواد قانونی، نیازمند قرینه قطعی و قوی است و به بهانه اجرای عدالت نمی‌توان از ظهور ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی و تقسیم مسئولیت به نحو تساوی دست کشید.

۳-۲-۱-۲. عمل به سیره عقلا

یکی از دلایل مهمی که در مورد نظریه توزیع مسئولیت به میزان درجه تأثیر به نظر می‌رسد، عمل وفق سیره عقلای عالم است. همه نظام‌های حقوقی برای نظریه فنی کارشناس ارزش قائل شده و طبق آن عمل می‌کنند. این امر مورد تأیید عقل و حتی شرع مقدس نیز می‌باشد و بدیهی است که قاضی محکمه نمی‌تواند در همه علوم تخصص داشته باشد و اهل فن و متخصص همه علوم باشد، لذا عقل حکم می‌کند برای تعیین موارد مصداقی به کارشناس امور مراجعه نماید. قرآن کریم نیز در مورد جهالت نسبت به امور، انسان‌ها را به سؤال از اهل خبره رهنمود می‌کند. خداوند متعال در آیه شریفه می‌فرماید: «...فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون»^۱ (نحل/۴۳). که لازمه الزام به سؤال، الزام به پذیرش و عمل طبق نظر اهل خبره است والا اصل سؤال عبث و بیهوده می‌گردد. به عنوان مثال در صورتی که یکی از عوامل بروز خسارت ناشی از هل دادن اتومبیل، انسان قوی هیکل به میزان ۹۰ درصد و عامل دیگر طفل شش ساله به میزان ۱۰ درصد تأثیر باشد و این امر به تأیید کارشناس فنی امر برسد، عمل سیره عقلای عالم بر این است که به این نظریه کارشناسی توجه و مطابق آن حکم بر مسئولیت صادر می‌گردد، اما اگر با وجود این نظریه کارشناسی طرد و حکم به تساوی در مسئولیت داده شود، این عمل خلاف سیره عقلای عالم است.

۲-۲. مسئولیت اسباب متعدد در فرض اجتماع سبب و مباشر

۲-۲-۱. تبیین ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

در مورد اجتماع سبب و مباشر نظر مشهور فقهای امامیه این است که اصل بر مسئولیت مباشر است، مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد (نجفی، ۱۳۷۴: ۵۴؛ محقق حلی، ۱۴۰۵: ۱۸۶؛ علامه

۱. «پس اگر نمی‌دانید، از اهل ذکر (خبره) سؤال کنید».

حلی، ۱۴۱۳: ۲۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۳۳؛ موسوی خمینی، بی تا: ۱۹۳) و ماده ۳۳۲ قانون مدنی و ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی سابق نیز بر این اساس تصویب شده‌اند.

در مقابل برخی از فقها نیز در این نظریه تشکیک نموده و معتقدند در صورتی که خسارت به هر دو عامل (سبب و مباشر) مستند باشد، هر دو ضامن‌اند. در این صورت امکان مسئولیت سبب را به دلیل «قاعده لاضرر» منتفی نمی‌دانند (حائری طباطبائی، ۱۴۱۹: ۳۳۶). از فقهای معاصر نیز برخی در این فرض معتقد به تقسیم مسئولیت بین سبب و مباشر هستند (محقق داماد، ۱۳۶۳: ۱۲۴؛ صانعی، ۱۳۸۵: ۱۱۹؛ مکارم، ۱۳۷۰: ۸۳).

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نوآوری و تحول عمده‌ای در باب جمع بین سبب و مباشر داشته است. در ماده ۵۲۶ این قانون، برخلاف قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی سابق، تصریح شده که در فرض جمع بین سبب و مباشر، همیشه لازم نیست انتخابی بین این دو صورت گیرد و خسارت تنها به یکی از این عوامل مستند شود، بلکه در مواردی که خسارت به هر دو منتسب باشد و یکی اقوی از دیگری نباشد، هم سبب و هم مباشر در ایراد خسارت مسئولیت خواهند داشت.

حکم جدید، تعدیلی منطبق با قضاوت عرفی و بر اساس مبانی نظری و علمی است. بدین نحو نظام حقوقی ایران هم‌سو با قضاوت عرفی، پذیرفته است که در صورت جمع سبب و مباشر در ایراد خسارت، مطابق قواعد عمومی، عامل بروز حادثه همان سببی است که خسارت مستند به او می‌باشد. چنانچه خسارت به همه عوامل مستند شود همگی مسئول جبران شناخته می‌شوند و چنانچه یکی اقوی از دیگری باشد به‌نحوی که عرفاً خسارت فقط مستند به او باشد، تنها آن عامل (مباشر یا مسبب) مسئول شناخته می‌شود. لذا ماده ۵۲۶، ماده ۳۳۲ قانون مدنی و ماده ۳۶۳ قانون مجازات سابق را نسخ نموده است، البته برخی نیز معتقدند بین این مواد تعارضی وجود ندارد، زیرا ماده ۳۳۲ و ۳۶۳ ناظر به مواردی است که ضرر فقط مستند به مباشر باشد نه سبب و به‌نحوی این دو ماده بیانگر نوعی اماره قانونی بوده که خلاف آن قابل اثبات است (کاتوزیان، ۱۳۶۲: ۱۳۷؛ امامی، ۱۳۹۲: ۱۳۹۵). برخی از حقوق‌دانان در این باره معتقدند غلبه در اجتماع سبب و مباشر در ایراد ضرر این است که مباشر اقوی است و معنی اقوی بودن این است که اضرار به او منتسب است نه سبب. هر حکم قانونی که متکی بر غلبه باشد اماره است و اصل در امارات قانونی هم نسبی بودن است. پس مدلول ماده ۳۳۲ قانون مدنی مانع از این نمی‌شود که اگر انتساب به هر دو عرفاً صحیح باشد، هر دو متضامناً در برابر متضرر از اتلاف مسئول باشند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۹: ۲۵۸).

مشکلی که در این خصوص وجود دارد این است که در قوانین برای توجه استناد خسارت به سبب به علت اقوی بودن او، هیچ ملاک و معیار مشخصی برای اقوی بودن سبب از مباشر ارائه نشده و

نیازمند به کنکاش نظر بیشتری است. در بررسی مثال‌هایی که در مورد جمع سبب و مباشر در متن ماده مذکور بیان شده، می‌توان این چنین استنتاج کرد که در تمامی مواردی که مباشر به عمد خسارتی را وارد می‌کند، در استناد عرفی خسارت به فعل عامل مستقیم شکی نیست، ولی در دیگر فروض جمع بین سبب و مباشر، چه بسا به علت عواملی همچون قابلیت پیش‌بینی ایراد خسارت در فعل شخص سبب و یا عمدی بودن آن و یا نحوه ایراد خسارت مستقیم، عرف خسارت را به عامل غیرمستقیم و سبب مستند می‌کند. در مواردی که سبب همراه با تقصیر بوده و قابل پیش‌بینی بوده که این سبب در اثر دخالت منجر به خسارت می‌شود، سبب در نظر عرف اقوی از مباشر محسوب شده و خسارت عرفاً به وی مستند می‌شود.

۲-۲-۲. اجتماع سبب و مباشر در تصادفات

۲-۲-۲-۱. رویه قضایی

در خصوص موضوع پژوهش و اجتماع سبب و مباشر در تصادفات آرای متفاوتی از محاکم کیفری صادر شده است که مبنای هر یک از آن‌ها متفاوت بوده و هر کدام با توجه به پیش‌زمینه‌های قانونی و فقهی اقدام به صدور رأی نموده‌اند که در اینجا به دو مورد اشاره می‌کنیم:

الف) رأی دادگاه (دادنامه ۱۴۵۷/۱۰۲۲۴۱۰۲۲۹۷۰۹۳۰ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱)

در این پرونده کیفرخواست صادره از دادسرای عمومی و انقلاب تهران با عنوان اتهامی بی‌احتیاطی در رانندگی منجر به صدمه بدنی صادر می‌گردد، بدین شرح که حسب محتویات پرونده و گزارش تنظیمی از سوی پلیس راهور در سوم مرداد ماه ۱۳۹۳ در ۲۰ کیلومتری محور تهران قم در ساعت ۲۳:۱۱ دقیقه به جهت عدم نصب تابلوهای هشداردهنده از سوی پیمانکار اداره راه و شهرسازی تهران و عدم وجود نور کافی در ورودی محور فرعی و نهایتاً قصور رانندگان دو خودروی پراید و سمند و سرعت غیرمجاز و عدم توجه و رعایت حق تقدم، منتهی به تصادف بین دو خودرو و طبق گواهی صادره از پزشکی قانونی منجر به ایجاد جراحاتی بر رانندگان و سر نشینان دو خودرو می‌گردد. در تحقیقات مقدماتی و در ارجاع امر به کارشناسی، طبق نظر کارشناس و افسر پلیس راهنمایی و رانندگی، عوامل مؤثر در ایجاد خسارت و بروز حادثه بدین نحو تعیین می‌گردد: ۱- آقای الف.ح راننده خودرو به شماره انتظامی ... به میزان ۲۰ درصد تقصیر ۲- آقای م.ک راننده خودرو به شماره انتظامی ... به میزان ۴۰ درصد تقصیر ۳- شرکت ص.ب (تحت نظر اداره راه استان تهران) به میزان ۳۰ درصد تقصیر ۴- اداره برق استان تهران به میزان ۱۰ درصد تقصیر و نهایتاً به همین میزان کیفرخواست نسبت به هر یک از عوامل صادر می‌گردد. بعد از ارجاع پرونده به شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری ۲ تهران و بعد از تشکیل جلسه و استماع دفاعیات متهمین و نماینده قانونی آن‌ها، نهایتاً به استناد مواد ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۶ و ۵۲۸

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۷۱۶ و ۷۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (بخش تعزیرات) با توجه به میزان و درجه تقصیر هر یک از عوامل ایجاد خسارت در کیفرخواست صادره جهت پرداخت دیه و مجازات تعزیری، منتهی به صدور رأی می‌گردد. این رأی صادره متعاقب عدم اعتراض و تجدیدنظرخواهی متهمین قطعی می‌گردد.

(ب) رأی دادگاه (دادنامه ۱۳۴۰/۱۳۴۰۹۹۵۶۲۲۵۱۰۹۴۱ مورخ ۱۳۹۴/۸/۲۰)

در پرونده مشابه مورد مذکور حسب کیفرخواست صادره از دادسرای عمومی و انقلاب تهران پرونده‌ای با موضوع بی‌احتیاطی در رانندگی منجر به ایجاد صدمات بدنی، در دادسرا منتهی به صدور کیفرخواست می‌گردد. بدین شرح که در مورخ ۲۶ خرداد سال ۱۳۹۴ پس از اعلام تصادفات به فوریت‌های پزشکی بیمارستان ولیعصر و حضور مأمورین انتظامی در خیابان مطهری مشخص می‌گردد، تصادف خودرو زانتیا به شماره انتظامی ... با موتورسیکلت به شماره انتظامی ... منجر به مصدومیت راکب و فوت سرنشین موتورسیکلت می‌گردد. پس از طرح شکوائیه و رسیدگی به شکایت در شعبه تحقیق دادسرای تهران، ایجاد صدمات و فوت توسط پزشکی قانونی تأیید می‌گردد. در ارجاع امر به کارشناسی مشخص می‌گردد به جهت سرعت بالای موتورسیکلت و عدم توجه راننده خودرو پرشیا به جلو و نهایتاً حفر گودال از سوی شهرداری منطقه ... تهران، باعث ایجاد تصادف و مصدومیت راکب و فوت سرنشین موتورسیکلت گردیده و طبق نظر افسر پلیس راهنمایی و رانندگی، عوامل مؤثر در ایجاد خسارت و بروز حادثه بدین نحو تعیین شده است: ۱- آقای ب. ت راننده خودرو پرشیا به شماره انتظامی ... به میزان ۵۰ درصد تقصیر ۲- آقای ج. آ راکب موتورسیکلت به شماره انتظامی ... به میزان ۱۰ درصد تقصیر ۳- شهرداری منطقه ... تهران به میزان ۴۰ درصد تقصیر و نهایتاً به همین میزان کیفرخواست نسبت به هریک از عوامل صادر می‌گردد. بعد از ارجاع پرونده به شعبه ۱۰۶ دادگاه کیفری ۲ تهران و بعد از تشکیل جلسه و استماع دفاعیات متهمین، وکلا و نماینده قانونی آنان، دادگاه ضمن رد درصد تعیین شده در کارشناسی صورت گرفته و کیفرخواست صادره، به استناد رأی وحدت‌رویه شماره ۷۱۷ مورخ ۱۳۹۰/۲/۶ دیوان عالی کشور و با استناد به سابقه فقهی موضوع تصادفات و نظر مشهور فقهای امامیه و ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی بدون توجه به میزان تقصیر و تأثیر عوامل ایجاد خسارت، رأی به محکومیت و پرداخت هر یک به میزان یک سوم صدمات و دیه مندرج در گواهی پزشکی قانونی می‌دهد و نهایتاً با همین استدلال رأی صادره در دادگاه تجدیدنظر تهران قطعی می‌گردد.

در بررسی آرای صادره به نظر می‌رسد نادیده گرفتن تفاوت درجه تأثیر و تقصیر عوامل قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ قابل دفاع است؛ زیرا صراحتاً در ماده ۳۳۶ قانون سابق

در موضوع تصادفات با تبعیت از نظر مشهور فقهای امامیه، قانون‌گذار حکم به مسئولیت هر یک از عوامل به صورت تساوی نموده و در ماده مذکور صراحتاً بیان شده «خواه میزان تقصیر آن‌ها مساوی یا متفاوت باشد»، اما از آنجا که در رویه قضایی به نص این ماده عمل نمی‌شد و قضات میزان تأثیر هر یک از عوامل را در مسئولیت دخیل می‌دانستند، رأی وحدت‌رویه شماره ۷۱۷ در تاریخ ۱۳۹۰/۲/۶ از سوی دیوان عالی کشور به همین جهت صادر شده است.^۱

طبق رأی وحدت‌رویه مذکور، قضات مجبور به تبعیت از نص ماده ۳۳۶ قانون سابق شدند، اما صدور رأی با نادیده گرفتن درجه تأثیر عوامل در ایجاد تصادف بعد از تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا در قانون جدید، قانون‌گذار ضمن تصویب ماده ۵۲۶ میزان تأثیر هر یک از عوامل در مسئولیت را دخیل دانست و رأی وحدت‌رویه نیز ناظر به قانون سابق و در زمان حکومت آن قانون صادر شده و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ناسخ این رأی وحدت‌رویه بوده و در زمان صدور دو رأی مذکور از محاکم کیفری ۲ تهران، اعتباری ندارد که در بحث آتی به صورت کامل بیان می‌گردد.

۲-۲-۲. مقایسه مواد ۵۲۶ و ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی

همان طور که در مباحث ابتدایی پژوهش حاضر گفته شد، به نظر می‌رسد رابطه بین مواد ۵۲۶ و ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی، عموم و خصوص من وجه است و در مقایسه این دو ماده، یک نقطه اشتراک و دو نقطه افتراق از ناحیه هر یک از مواد وجود دارد. نقطه اشتراک این دو ماده فرضی است که در وقوع تصادفی، برخی از عوامل سبب و برخی دیگر مباشر در ایجاد خسارت باشند. در اینجا از جهتی محتمل است مشمول ماده ۵۲۸ قانون مجازات اسلامی بوده و حتی در صورت تفاوت در تأثیر، حکم به تساوی عوامل ایجاد خسارت گردد و از طرفی محتمل است مشمول ماده ۵۲۶ بوده و در صورت تفاوت در تأثیر، حکم به مسئولیت هر یک از عوامل به میزان درجه تأثیر گردد.

در مورد بحث ممکن است این گونه به نظر برسد که ماده ۵۲۸ حکم خاص در مورد تصادفات است و به لحاظ سابقه فقهی آن، به طور کلی قانون‌گذار برای تصادفات پوشه جداگانه باز کرده و درجه تأثیر را حتی در فرض اجتماع سبب و مباشر در آن، مورد لحاظ و توجه قرار نداده و به صورت کلی حکم به تساوی مسئولیت عوامل ایجاد خسارت در تصادفات نموده است. از طرفی ماده ۵۲۶ که

۱. «هر گاه برخورد دو یا چند وسیله نقلیه منتهی به قتل سرنشین یا سرنشینان آن‌ها گردد، مسئولیت هر یک از رانندگان در صورت تقصیر (به هر میزان که باشد) به نحو تساوی خواهد بود» (شاکری، ۱۳۹۴: ۴۳۹).

سخن از درجه تأثیر دارد، چون برخلاف قواعد نخستین فقهی و حتی سایر مواد قانونی که حکم به تساوی نموده‌اند است، باید تفسیر مضیق شود و فقط در خصوص موضوع این ماده لحاظ و به قدر متیقن در آن اکتفا شود و در موارد مشکوک و اختلافی (از جمله اجتماع سبب و مباشر در تصادفات) به اصل اولیه و نخستین که تساوی در مسئولیت مطابق ماده ۵۲۸ است، عمل گردد. سخن دیگری که در تأیید این نظریه می‌توان گفت این است که هر دو ماده در نقطه اشتراک تعارض نموده و هر دو از اعتبار ساقط می‌شوند و برای حکم اجتماع سبب و مباشر به اصل اولیه مستنبط از قواعد فقهی و سایر مواد قانونی که تساوی در مسئولیت است، مراجعه می‌گردد. این نظریه به برخی از حقوق‌دانان نسبت داده شده و ادله نیز بر تأیید این نظریه و رجوع به اصل تساوی بیان شده است (صفائی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۳). اما به نظر می‌رسد این نظریه صحیح نیست و حکم نقطه اشتراک دو ماده مذکور را باید از ماده ۵۲۶ اخذ نمود و در صورت اجتماع سبب و مباشر در تصادفات و تفاوت در تأثیر عوامل، حکم به توزیع مسئولیت به میزان درجه تأثیر داد. زیرا اولاً ظهور ماده ۵۲۶ در نقطه اجتماع قوی‌تر است و در خصوص موضوع، ماده در مقام بیان بوده و حکم آن را بیان می‌نماید و لسان ماده، بیان حکم به صورت عام است؛ برخلاف ماده ۵۲۸ که در خصوص موضوع در مقام بیان نیست تا بتوان تمسک به اطلاق آن در موضوع بحث شود؛ زیرا در حوادث رانندگی عمدتاً تأثیر عوامل به صورت اجتماع مباشرین یا اجتماع اسباب است و ماده حکم مورد غالب را بیان می‌کند و در مورد فرض نادر که اجتماع سبب و مباشر است، بیانی ندارد. لذا ماده ۵۲۸ صرفاً در مقام بیان فرض غالب در تصادفات که همان تعدد عوامل به صورت عرضی است که در مقام نخست پژوهش حاضر بررسی گردید، است. ثانیاً تغییر قانون مجازات در سال ۱۳۹۲ و جایگزین نمودن ماده ۵۲۸ به جای ۳۳۶ قانون سابق و حذف عبارات و الفاظ قانون سابق که دلالت بر عمومیت حکم به تساوی می‌نمود و از طرفی تصویب ماده ۵۲۶، همگی بیانگر تغییر رویکرد قانون‌گذار در این امر و مطابقت دادن بیشتر مقررات مسئولیت، با قاعده استنادی است که توزیع مسئولیت به میزان درجه تأثیر را ایجاب می‌کند. ثالثاً با تغییر همین رویکرد است که در ماده ۱۶ قانون بیمه اجباری سال ۱۹۵ صراحتاً قانون‌گذار در حوادث رانندگی در صورت اجتماع سبب و مباشر و دخالت عواملی همچون نقص راه، نبود یا نقص

۱. ماده ۱۶ قانون بیمه اجباری: «چنانچه به حکم مرجع قضائی اثبات شود عواملی نظیر نقص راه، نبودن یا نقص علائم رانندگی و نقص تجهیزات مربوط یا عیب ذاتی وسیله نقلیه یا ایجاد مانع توسط دستگاه‌های اجرایی یا هر شخص حقیقی یا حقوقی دیگر در وقوع حادثه موثر بوده است، بیمه‌گر و صندوق پس از پرداخت خسارت زیان‌دیده، می‌تواند برای باز یافت به نسبت درجه تقصیر که درصد آن در حکم دادگاه مشخص می‌گردد، به مسببان ذی‌ربط مراجعه کند».

علائم راندگی و نقص یا عیب ذاتی خودرو و... حکم به توزیع مسئولیت به نسبت درجه تقصیر (تأثیر) نموده است و با وجود این ماده و توضیح اراده قانون‌گذار از ماده ۵۲۶ و ۵۲۷، حکم موضوع بحث کاملاً مشخص می‌گردد.

صراحت و عمومیت ماده ۵۲۶ و حکم به توزیع مسئولیت به میزان درجه تأثیر به حدی است که برخی از حقوق‌دانان معتقدند که ماده مذکور حکم عام ثانویه‌ای را بیان نموده که در سایر موارد که حکم به تساوی در مسئولیت شده از جمله مواد ۵۲۸، ۵۳۳، ۴۵۳، اگر میزان تأثیر متفاوت باشد، باید حکم به توزیع مسئولیت به میزان تأثیر مطابق ماده ۵۲۶ نمود. به عبارت دیگر معتقدند که موضوع ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی که اجتماع سبب و مباشر است، موضوعیتی نداشته و این حکم را می‌توان به اجتماع مباشرین، اجتماع اسباب عرضی یا طولی نیز تسری داد و موادی که حکم به مسئولیت به نحو تساوی نموده‌اند، ناظر به فرض غالب بوده و اماره قانونی تخلف‌پذیر محسوب می‌گردند (آقائی نیا، ۱۳۹۷: ۱۶۰).

به نظر می‌رسد چنین نظریه و استدلالی صحیح نیست و نمی‌توان ملاک و حکم ماده ۵۲۶ را به‌عنوان اصل ثانویه در همه موارد پذیرفت و گفت حکم این ماده، حاکم بر بقیه موادی است که حکم به مسئولیت به نحو تساوی نموده‌اند، باشد؛ زیرا اولاً لازمه‌اش تخصیص اکثر است، زیرا لازم می‌آید که قانون‌گذار در اکثر مواد به فرضی که عمدتاً در خارج غالب است (تفاوت در درجه تأثیر است) توجهی ننموده و غالباً فرض را بر تساوی در درجه تأثیر که فرض نادر است، قرار داده است و در ماده ۵۲۶ حکم فرض غالب را بیان کرده که حاکم بر سایر مواد باشد. این امر موجب تخصیص اکثر مصادیق برخی از مواد قانونی شده و امری قبیح و توجیه آن دشوار و با تکلف همراه است. ثانیاً این نظریه صراحتاً مخالف با نظر مشهور فقهای امامیه است و همان طور که گفته شد، مشهور فقها در مواردی که عوامل ایجاد خسارت در عرض یکدیگر باشند، حتی با فرض تفاوت در تأثیر، حکم به ضمان به نحو تساوی نموده‌اند و قانون‌گذار در تصویب مواد قانونی حتماً به نظر مشهور فقها توجه داشته است و مطابق آن وضع قانون نموده است. ثالثاً تفاوت در موضوع ماده ۵۲۶ با سایر مواد منطقی به نظر رسیده و امری واضح است و به همین جهت حکم آن‌ها نیز متفاوت است. موضوع ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی اجتماع سبب و مباشر است، که در آن یک عامل به صورت مستقیم و یک عامل به صورت غیرمستقیم باعث ایجاد خسارت شده، ولی در سایر مواد که موضوع آن‌ها اجتماع مباشرین یا اجتماع اسباب در ایجاد خسارت است، نقش همه عوامل در یک مقام است و همه یا مستقیماً باعث ورود خسارت شده‌اند و یا غیرمستقیم؛ به عبارت دیگر در ماده ۵۲۶ عوامل ورود خسارت در طول یکدیگر قرار دارند، ولی در سایر مواد این عوامل در عرض یکدیگرند و این

تفاوت در نقش باعث تفاوت در وضعیت و حکم قانونی شده است و در ماده ۵۲۶ و اجتماع سبب و مباشر، حکم به توزیع مسئولیت به میزان درجه تأثیر و در سایر مواد مطلقاً حکم به توزیع مسئولیت به نحو تساوی شده است. رابعاً همان طور که گفته شد ماده ۵۲۶ در مقابل سایر مواد قانونی در اقلیت و مورد خاص بوده و به نحوی خلاف اصل است و باید در موارد خلاف اصل به قدر متیقن که اجتماع سبب و مباشر است، اکتفا شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۴۰۶).

نتیجه

با تصویب ماده ۵۲۶ و استفاده از تعبیر «درجه تأثیر» در مورد اجتماع سبب و مباشر و با عبور از نظریه مشهور فقها و ماده ۳۳۲ قانون مدنی، حکم جدیدی مطابق قاعده استناد، برای فرض اجتماع سبب و مباشر مقرر شد. عمومیت این ماده به نحوی است که شامل همه موضوعات شده و همان طور که گفته شد حتی بسیاری از حقوق دانان معتقدند این ماده حاکم بر سایر مواد و به نحوی قاعده ثانوی است که در سایر موارد تعدد عوامل ایجاد خسارت از جمله تعدد مباشرین، تعدد اسباب طولی و تعدد اسباب عرضی، در صورتی که تأثیر عوامل در ایجاد خسارت متفاوت باشد، باید به حکم این ماده عمل نمود. از طرفی در بحث تصادفات، قانون گذار با تصویب ماده ۵۲۸ در عوامل ایجاد خسارت در تصادفات، به صورت مطلق حکم به مسئولیت به نحو تساوی نموده و توجهی به میزان و درجه تأثیر در این ماده نشده است. در قسمت نخست پژوهش، نقطه افتراق ماده ۵۲۸ که تعدد مباشرین یا تعدد اسباب (طولی، عرضی) بررسی و بیان گردید که در این موارد باید به نص ماده ۵۲۸ عمل و حکم به مسئولیت هر یک از عوامل به نحو تساوی نمود. در این فرض به درجه تأثیر توجهی نمی‌گردد و نمی‌توان از ظهور ماده به دلایلی همچون اجرای عدالت و عمل به سیره عقلا دست کشید، البته توجه به قاعده استناد در این مورد جای بحث و تأمل دارد، ولی در هر صورت رفع ید از ظهور قوی ماده ۵۲۸ در مورد تساوی در مسئولیت عوامل در عرض یکدیگر در تصادفات بسیار دشوار است و نمی‌توان حکم ماده ۵۲۶ که خاص و به نحوی خلاف اصل و مخالف سایر مواد قانونی است، به سایر موارد نیز تسری داد؛ بنابراین در ماده ۵۲۶ باید به قدر متیقن آنکه اجتماع سبب و مباشر است، اکتفا شده و نمی‌توان از آن تنقیح مناط کرد، به خصوص اینکه تساوی در مسئولیت موافق با دیدگاه مشهور فقهای امامیه نیز می‌باشد و تخطی از نظر فقهای عظام نیازمند قرینه قوی دارد که در فرض بحث این قرینه وجود ندارد. در قسمت دوم پژوهش حاضر به حکم نقطه اجتماع مواد مذکور پرداخته شد که به نظر می‌رسد در مورد اجتماع سبب و مباشر در تصادفات باید به حکم موجود در ماده ۵۲۶ عمل و حکم به توزیع مسئولیت به میزان درجه تأثیر نمود؛ زیرا ظهور ماده ۵۲۶ در نقطه اجتماع قوی‌تر است و در خصوص موضوع، ماده در مقام بیان بوده و حکم آن را بیان می‌نماید و لسان

ماده، بیان حکم به صورت عام است؛ برخلاف ماده ۵۲۸ که در خصوص موضوع در مقام بیان نیست تا بتوان تمسک به اطلاق آن در موضوع بحث شود؛ زیرا در حوادث رانندگی عمدتاً تأثیر عوامل به صورت اجتماع مباشرین است و ماده حکم مورد غالب را بیان می‌کند و در مورد فرض نادر که اجتماع سبب و مباشر است، بیانی ندارد. علت تصویب ماده ۵۲۶ در کنار ماده ۵۲۸، شاید بدین جهت است که گویا مدنظر قانون‌گذار در اجتماع سبب و مباشر در تصافات این بوده است که صراحتاً خلاف نظر مشهور فقها حکم نکند تا منتهی به ایراد خلاف شرع از ناحیه شورای نگهبان گردد. با تغییر همین رویکرد است که در ماده ۱۶ قانون بیمه اجباری سال ۱۳۹۵ صراحتاً قانون‌گذار در حوادث رانندگی در صورت اجتماع سبب و مباشر و دخالت عواملی همچون نقص راه، نبود یا نقص علائم رانندگی و نقص یا عیب ذاتی خودرو و... حکم به توزیع مسئولیت به نسبت درجه نقصیر (تأثیر) نموده است و با وجود این ماده و توضیح اراده قانون‌گذار از ماده ۵۲۶ و ۵۲۷، حکم موضوع بحث به صورت کامل مشخص می‌گردد.

منابع

فارسی

- آقایی نیا، حسین (۱۳۹۷)، جرایم علیه اشخاص، چاپ هفدهم، تهران: نشر میزان.
- آقائی، مهدی و نسرین مهرا (۱۳۹۹)، «تدابیر پیشگیری وضعی از جرایم و تخلفات رانندگی و آسیب شناسی آنها»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۴، شماره ۱۱۲.
- امامی، سیدحسن (۱۳۹۲)، حقوق مدنی، قم: نشر چاپ اسلامیه.
- بابائی، ایرج (۱۳۹۸)، حقوق مسئولیت مدنی، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- برهانی، محسن و آرش بادکوبه هزواره (۱۴۰۰)، «جایگاه نظر کارشناسی در احراز رابطه سببیت»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۵، شماره ۱۱۳.
- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۱)، ضمان قهری مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران: نشر دانشگاه امام صادق.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۹)، مجموعه محشای قانون مدنی، چاپ اول، تهران: نشر گنج دانش.
- حکمت نیا، محمود (۱۳۸۶)، مسئولیت مدنی در فقه امامیه، چاپ اول، قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی.
- شاکری، سیدحسین (۱۳۹۴)، مجموعه آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور، تهران: نشر مجد.
- شهیدی، مهدی (۱۴۰۰)، حقوق مدنی: تشکیل قراردادهای تعهدات، چاپ نهم، تهران: نشر مجد.
- صادقی، محمدهادی و محمد میرزائی (۱۳۹۸)، «ماهیت رابطه استاد و معیار آن»، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۲۱.
- صانعی، یوسف (۱۳۸۵)، استفتائات قضایی، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- صفائی، سیدحسین، حسن بادینی، بختیار عباسلو و سعیده صالحی (۱۳۹۷)، «معیار تقسیم مسئولیت در فرض تعدد اسباب و تحول آن در حقوق ایران»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، دوره ۲۴، شماره ۸۴.
- صفائی، سیدحسین و حبیب الله رحیمی (۱۳۹۷)، مسئولیت مدنی تطبیقی، چاپ اول، تهران: نشر شهر دانش.
- قاسم زاده، سیدمرتضی (۱۳۷۸)، مبانی مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹)، حقوق مدنی: نظریه عمومی تعهدات، چاپ اول، تهران: نشر یلدا.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۳)، بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۲)، جرایم علیه اشخاص، چاپ دوازدهم، تهران: نشر میزان.

عربی

- جبعی عاملی، زین الدین (۱۴۱۰ق)، الروضه البهیة، تهران: نشر دار الکتب الاسلامیه.
- حائری طباطبائی، سیدعلی (۱۴۱۹ق)، ریاض المسائل، چاپ اول، قم: نشر مؤسسه نشر الاسلامی.
- حلّی، ابوالقاسم نجم الدین (بی تا)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، بیروت: نشر دار الاضراء.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۳۸۷ق)، تذکره الفقهاء، چاپ اول، قم: نشر مؤسسه اسماعیلیان.
- خوئی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، منهاج الصالحین، چاپ بیست و هشتم، قم: نشر مدینه العلم.
- طباطبائی یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۴۰۹ق)، عروة الوثقی، چاپ دوم، بیروت: نشر مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، المبسوط، چاپ سوم، تهران: نشر المكتبة المرتضویه.

- کرکی، علی بن الحسین (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد، چاپ دوم، قم: نشر مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵)، الفتاوی الجديده، چاپ دوم، قم: نشر مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
- موسوی خمینی، سیدروح الله (بی تا)، تحریر الوسيله، چاپ دوم، تهران: نشر مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۷۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ چهارم، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.